

آنان شرم ندارند، ننگشان فزون‌تر!

اما ما هموطنان بلوچ‌ها وظیفه‌مندیم!

جمهوری اسلامی روز جمعه ۱۳ آبان حمام خون دیگری در بلوچستان راه انداخت. هدف این‌بار، شهرستان خاش بود با ۱۶ کشته و یک نوباوه‌ی ۱۶ ساله میان‌جان‌باختگان. جنایتی تازه در تکرار قتل عام زاهدان که عمال حکومت روز ۶ مهر ماه مرتکب آن شدند. فاجعه‌ای که بر پایه شناسایی هویت کشته‌شدگان، طی آن بیش از ۹۰ نفر در یک نیمروز خونین جان سپردند. جمعیت معترض فقط می‌خواست سرهنگ پاسدار مرتکب عمل شنیع تجاوز به دخترک ۱۵ ساله اهل راسک، محاکمه شود و مجازات ببیند. پاسخ حکومتی‌ها اما به این درخواست عادلانه، به رگبار بستن مردم با تیربار بود.

از آن ساعات جنون حکومتیان تا به امروز، بلوچستان با نشستن در سوگ فرزندان، از خشم به خود می‌پیچد. دادخواه قربانیان، نه فقط خانواده‌های آنان بلکه همه‌ی مردم بلوچستان‌اند. خلق بلوچ در این مدت به اشکال مختلف مدنی پیگیر دستگیری و محاکمه‌ی همه‌ی آمران و عاملان این کشتار فجیع شده است. اما اگر از سنگ صدایی درآمده، از جمهوری اسلامی هم چیزی دیده شده است. حداکثر اقدامی که نظام در ازاء جنایتی به این وسعت انجام داد، تغییر پست رئیس پلیس زاهدان و رئیس کلانتری ۱۶ شهر بود. همین و نه بیش تا سیاست سرکوبگرانه و "مقتدرانه" آن در برابر مردم، کمترین خدشه برن ندارد و ادامه‌ی قتل بیش از ۹۰ تن در زاهدان به فاصله چهار هفته از قتل ۱۶ تن در خاش سر در آورد.

مولوی عبدالحمید شخصیت متنفذ این خطه که به کنار آمدن در طول این سال‌ها با جمهوری اسلامی و حلیم بودن شهرت دارد، تا آنجا که به جنایتکاری چون رئیسی رای داد و حتی با ابراز شادی از بیرون رفتن آمریکا از افغانستان با جمهوری اسلامی هم‌نوا شد، اکنون دیگر فریاد می‌زند. ایشان حالا سخن از لزوم انجام رفراندوم در مورد سیاست‌های جاری جمهوری اسلامی می‌زند. این شخصیت معتبر نه فقط در میان بلوچ‌ها بلکه در میان دیگر اهل سنت کشور، در یک ماه گذشته از هر طریق ممکن چه سخنرانی و چه تماس گفتاری و نوشتاری با مقامات رسمی استان و مرکز کوشید بلکه حکومتی‌ها را قانع کند به حداقلی از مطالبات برحق این مردم ستمدیده پاسخ دهند. اما با مشاهده‌ی بدخواهی‌های حکومت در قبال نیکخواهی‌های خود و زیر فشار افکار عمومی و روحیه طغیانی مردم بلوچستان، ناگزیر از طرح پیشنهادی شده است که نه مطالبه‌محوری، بلکه آشکارا جنبه‌ی ساختاری دارد.

تداوم بی‌رحمی‌های بیش از اندازه‌ی جمهوری اسلامی در بلوچستان صدای همه‌ی بلوچ‌ها را درآورده است. نظام حاکم اگر در همه جای کشور دست به قساوت می‌زند، در برخی مناطق اما برای عطش خون خود حد و مرز قائل نیست. کردستان با فجایع پرشمار در طول این ۴۳ سال و از جمله کشتارهای قارنا و قله‌تان ۵۸ و ۵۹، مناطق عرب‌نشین خوزستان در چهارشنبه‌ی سیاه ۵۸ خرمشهر و نیزارهای ماهشهر مبدل به کشتارگاه سال ۹۸ و بلوچستان نیز مواجه با انواع بی‌رحمی‌ها در طول همه عمر جمهوری اسلامی و اکنون به فاصله کمتر از یک ماه در دو کشتاری که، نامی جز قتل عام ندارند.

چرا چنین است؟ در نوشتار مورخه ۱۹ مهرماه با عنوان "کردستان، چشم و چراغ ایران..." مرتبط با استعداد جمهوری اسلامی برای ارتکاب جنایاتی چنین سهمگین در بلوچستان نوشته بودم:

"این حد از خشونت در بلوچستان و اینکه سپاه یکه‌تاز، این چنین بی ملاحظه حمام خون راه می‌اندازد، فقط بیانگر آنست که سیاست حکومت در قبال کمترین تجمعات اعتراضی این دیار محنت کشیده، موضوعی است پیشاپیش تعیین شده: سرکوب بی درنگ، بی امان و در هر وسعت! این یعنی، بلوچ‌های سنی در نگاه جمهوری اسلامی، مردمی‌اند نه تنها غیرخودی بل بکلی مشکوک و بیگانه! اهمیت

بلوچستان برای این رژیم فقط بخاطر گذرگاه بودن است در مسیر "نگاه به شرق"؛ سهم مردمان آن ولی: تبعیض، تحقیر، فقر و سرکوب. این فقرزده‌ترین استان پهناور کشور، در همهی ۴۳ سال گذشته فقط جفای بی‌پایان دیده است و نه صرفاً "شهر سوخته"ی باستانی، بل سرزمینی سوخته در همین امروز.

بلوچ‌های ما اعتراض به انواع تبعیض دارند. از تبعیض دهشتناک اقتصادی گرفته تا ستم مذهبی و ملی و دور از مرکز بودن. "زن - زندگی - آزادی" بیش از همه در بلوچستان فوق امنیتی مصداق دارد. مطالبه رفراندوم جدا از اینکه در این نظام رویا را می‌ماند، اما دقیقاً بازتاب فریاد رهایی مردم بلوچستان از انواع جور است. این مردم، در وسیع‌ترین ترکیب خود آزادی و برابر حقوقی می‌خواهد. نیز امنیت، کار و زندگی را تا فرزندانش ناگزیر از "سوخت بری" و خدمت به قاچاقچیان برای لقمه‌نانی نشوند و زیر رگبار گزمه‌های مرزی نظام جان نبازند. بلوچ خواستار به رسمیت شناختن حقوق ملی و آئینی خود است.

تکلیف نظام سفاک در این زمینه همانند دیگر عرصه‌ها و حتی بیشتر نیز روشن است: شرم نمی‌شناسد و بهره‌ای جز فزونی ننگ روز افزون ندارد و نخواهد داشت. پرسش گرهی اما متوجه همهی ایرانیان هموطن بلوچ‌ها است. متوجه همهی آنانی که باید از خود بپرسند سهم من در واقعیت تلخ تنها ماندن این ستمدیدگان در برابر کفتارهای خونریز چیست؟ باید از خود سؤال کنند آیا نباید با همهی قوا به دفاع از حقانیت خواست‌های مردم بلوچستان برخاست؟ هر ایرانی آزادیخواه، دمکرات و مدافع برابر حقوقی شهروندی لازم است با نهیب زدن به خود و صیقل دادن وجدان شهروندی‌اش بپذیرد که بلوچستان در زمره‌ی فراموش شدگان است و وظیفه برای جبران انواع ستم‌های تاریخی تحمیلی بر این فقیرترین مردمان کشور چیست؟ جمهوری اسلامی نه خصم این مردم دردمند، که انکار آنهاست.

بهزاد کریمی ۱۵ آبان ماه ۱۴۰۱ برابر با ۶ نوامبر ۲۰۲۲